

چالش‌های مطالبات معلمان در ایران

سید حسن حسینی

قسمت سوم، فقدان سازماندهی و همبستگی درونی شکل‌نا‌یافتگی جمعیت، عارضه بزرگی است که همه اقشار جامعه به گونه‌ای از آن رنج می‌برند. انبوه جمعیت فرهیخته معلمان نیز چنین‌اند. اصولاً، در جامعه‌ای که گفت‌وگو نیست و نمی‌خواهد باشد، وجود تشکلهای هر چند رسمی کم‌اثر و شاید کم‌معناست! تبلیغات ضدحزبی، ترویج تلویژن‌گرایی و عاقبت‌طلبی سیاسی و هر روز هم رنگ قدرتی شدن، از آفات بزرگ اداره دموکراتیک در جوامع توسعه‌نا‌یافته از جمله در کشور ما بوده و خواهد بود. کارکنان ستاد و صف آموزش و پرورش که ذاتاً باید خواهان تعالی و عاملان برای تحقق عینی آن باشند و وظیفه دارند تا محصول و مربی‌ای آنها نه تنها مطابق زمان خود که برای فردا و سازمان‌های آینده تربیت شوند!! نباید خود را از خرد جمعی سامان یافته، محروم نمایند. در کشور ما، عضویت در تشکلهای صنفی یا سیاسی مطابق قانون اساسی، آزاد است و معمولاً (جدای از استثناها) افراد اخلاقی که معمولاً همان افراد دگرخواه‌اند، جذب چنین فعالیت‌های داوطلبانه که نیاز به گذشت بسیار دارد، میشوند. البته موانع عضویت تنها عوامل بیرونی و محیطی و نخواستن‌های آن دیگری نیست. شاهد مثال آن که، متأسفانه با وجود تشکلهای ریز و درشت بسیار با اعضای اندک بر جای خود مانده‌اند!! انگیزه پیوستن معلمان به آنها اما در حد صفر است. شاید هزینه‌دار بودن عضویت یا مقبول نبودن آنها یا ایجاد ممنوعیت‌های شغلی در اثر پیوستن به آنها، همه و همه بازار بیرونق تشکلهای را ساخته است. این در حالی است که وجود آنها برای پیگیری مطالبات قانونی، چانه‌زنی و گفت‌وگوی لازم و ضروری است و تا اطلاع ثانوی معلمان ما راهی برای این گفت‌وگوها و اهرمی برای موفقیت در آنها، به جز از طریق تشکلهای قانونی ندارند!!



شاید برخی دولت‌ها و مسوولان وزارت آموزش و پرورش، یا نهادهای حفاظتی؛ فقدان تشکلهای سراسری و فراگیر را فرصت تلقی کنند! اما به یقین و در درازمدت؛ چنین محاسباتی فاقد واقع‌نمایی و معادل هرج و مرج خواهد بود. وضعیت مطالبات معلمان در شرایط نبود تشکلهایی که رسماً گفت‌وگوها را نمایندگی نمایند، به اعتراضات خشم‌آلود و پس از آن به تحصن‌های بی‌صدا تبدیل خواهد شد. موضوعی که شاید برای هیچ‌کس خوشایند نباشد و برای هیچ‌یک از ذی‌نفعان سودی نداشته باشد. به یقین یکی از راهکارها، اراده و تصمیم خود معلمان اعم از شاغل یا بازنشسته است. آنان می‌توانند با پیوستن به هر یک از گروه‌هایی که مایل‌اند؛ بتوانند اولاً، به ارتقای تراز دانسته‌های صنفی خود کمک کنند. ثانياً، کار گروهی را از مسیرهای مجاز این گروه‌ها یا حتی گروه‌هایی که خود ایجاد می‌کنند؛ تجربه نمایند و ثالثاً، خواست خود را با قدرتمندی هر چه بیشتر و با ابتکار عمل جمعی از راه‌های موثرتر پیگیری نمایند. ادامه دارد.

: ۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰ ۰۰۰ ۱۴۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰